

و جوان کاسته می‌شود.

براساس شاخص‌ها و آمارهای محاسبه‌شده در مورد جمعیت ایران باید گفت که جمعیت ایران از نظر ساختاری در مرحله میان‌سالی (رو به سالخوردگی) است و در وضعیت کنونی افزایش جمعیت فعال، ساختار سنی مطلوب و مساعدی را ایجاد و فرصت ایده‌آلی برای پیشرفت و بهبود توسعه ایجاد می‌کند؛ اما ضرورت برنامه‌ریزی برای زمانی که جمعیت فعال کاهش و درصد سالمندان افزایش می‌یابد، احساس می‌شود که با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان دوران مطلوبی را برای سالمندان خلق کرد و از طرف دیگر، بار اقتصادی ناشی از سالمندی جمعیت را تا حدودی کاهش داد.

جمع‌بندی نهایی بحث اینکه مسائل اجتماعی مرتبط با مسئله سالمندی در حوزه‌های اقتصادی، رفاه و توسعه و خانواده به شدت در هم تنیده و در اثر مسئله سالمندی آسیب‌پذیر هستند و در صورت غفلت از آگاهی سیاست‌گذاران نسبت به نقش آن‌ها و عدم اهتمام به تقویت آن‌ها؛ زنجیره‌ای از مسائل و مشکلات پیچیده را به وجود خواهد آورد که برآیند این مسائل، مسئولیت دولت ایران را در قبال مسئله سالمندی جمعیت در دودمه آینده افزایش خواهد داد. با توجه به اینکه در کشور ما در زمینه حمایت از سالمندان برنامه‌ای منسجم و هدفمند وجود نداشته است، به نظر می‌رسد که در ابتدا باید میان سازمان‌های متولی امور سالمندان انسجامی هماهنگ صورت‌پذیرد و ارتباط بین آن‌ها به نحوی باشد که تمامی برنامه‌های مصوب این سازمان‌ها از قدرت اجرایی برخوردار شود. به بیان دیگر می‌توان گفت که لازمه‌ی اجرایی‌شدن برنامه‌های مربوط به سالمندان این است که سازمان‌های مذکور در یک جهت حرکت کرده و از برنامه‌های مصوب یکدیگر حمایت کنند و با ایجاد زمینه دسترسی سالمندان به امکانات آموزشی، بهداشتی و تغذیه‌ای از طریق از میان‌بردن نابرابری اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به سالمندی سالم و فعال، مشکلات سالمندان به حداقل برسد. به نظر می‌رسد با غفلت از این مسائل، علاوه بر مشکلات سالمندی، کل سیستم اجتماعی کشور دچار اختلال و بحران خواهد شد و می‌توان گفت که این موضوع تمامی برنامه‌های میان